

### متن پرسش

سلام: سوال ۵۸۰۸ جواب ندارد. اصلاح بفرمایید. یا حق

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عین آن مصاحبه را خدمت جنابعالی ارسال می‌دارم:

بسمه تعالی: سوالات مصاحبه با استاد طاهرزاده پیرامون تمدن سازی نوین اسلامی (از طرف مرکز پژوهش های علوم انسانی اسلامی صدرا)

۱۰- علت تاکید شما بر پدیده ای تحت عنوان تمدن اموی و تمدن عباسی چیست؟ به تعبیر دکتر موسی نجفی بخش های قابل توجهی از این تمدن اسلامی نتیجه تلاش های امام صادق (ع) و امام رضا (ع) بوده و توقف و آسایش در برخی مقاطع، به امویان و عباسیان بر می گشته نه اصل تمدن حاکم. لذا بحث بر سر یک کلیت واحد است. با این وصف چرا شما مصرید که این تمدن، فقط به ظاهر اسلامی بود؟ تنها به این خاطر که مستشرقین، آن زمان را به عنوان تمدن اسلامی دوران گذشته به رسمیت می شناسند؟

**جواب:** تمدن اسلامی عبارت از شرایط خاصی است از مناسبات بین انسان‌ها با یکدیگر و بین انسان‌ها با طبیعت که زندگی زمینی را به آسمان معنویت متصل گرداند تا ظاهر عالم با باطن آن هماهنگ باشد. با توجه به این تعریف می‌توان گفت اسلام به خودی خود از آن جهت که حقیقت آسمانی است تا زندگی زمینی انسان‌ها را به آسمان متصل کند، تمدن‌زا است ولی مشروط بر این‌که از روح آسمانی اسلام غفلت نشود.

آنچه موجب شد که تمدن اسلامی به معنای واقعی آن در زمان امویان و عباسیان ظهور نکند مشکل حاکمان بود از آن جهت که حامل روح آسمانی اسلام نبودند تا مطابق آن روح در زمین مدیریت کنند و در این رابطه حجاب ظهور تمدن اسلامی شدند وگرنه در درون جامعه، مسلمانان سعی داشتند روابطی را در جامعه‌ی خود حاکم کنند که جدا از شریعت آسمانی نبود. ولی متأسفانه آن روابط در چشم مستشرقین نمی‌آید آن‌ها آثار حاکمان اموی و عباسی را به عنوان تمدن اسلامی مدّ نظر خود دارند. با این همه بنده نگاه آقای دکتر نجفی را نگاه ظریفی می‌دانم از آن جهت که می‌خواهند ما را متوجه لایه‌ای از تمدن اسلامی بکنند که در اثر حضور معنوی اهل‌البیت «علیهم‌السلام» در روابط انسان‌ها حاکم

بود و به خودی خود در مقطعی از تاریخ نشان داد چگونه جوامع اسلامی در ذیل اسلام می توانند روابط تمدنی داشته باشند.

۲۰- شما معتقدید علت این تصور نسبت به تمدن اسلامی آن است که هنوز در سطح فرهنگ جامعه، حکومت اسلامی و به تبع آن تمدن اسلامی به معنی واقعی‌اش تعریف نشده است. تعریف شما از این مقوله ها و مقومات آنها چیست؟

**جواب:** با توجه به تعریفی که از تمدن اسلامی داریم و معتقدیم همواره باید وحدت بر کثرت حاکم باشد تا نظم حقیقی بین کثرات حاکم گردد و هر عضو از اعضای کثیر در جای خود قرار داده شود، معتقدم هنوز تمدن به معنای واقعی آن ظهور نکرده زیرا بعد از رحلت رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» در صدر اسلام، آن تقدیری که خداوند با حاکمیت امام معصوم برای جامعه اراده کرده بود محقق نشد و تمام اعضای جامعه در ذیل مدیریت امامی قرار نگرفت که شخصیت او در تمام ابعاد با عالم وحدانی متحد است.

شما متوجه‌اید که برای مدیریت اعضای بدن نیاز است که روحی حاکم بر اعضاء باشد که آن روح در مقام خود وحدانی باشد و مثل بدن داری جزء و اعضاء نباشد، در این صورت است که می‌بینید در عین آن‌که در حال راهرفتن هستید سایر اعضای بدن بیکار نیستند و همه در جای خود به وظیفه‌ی خود مشغول‌اند. معنای مدیریت وحدانی در جامعه توسط امامی معصوم به همین شکل است که با یک روح آسمانی زندگی زمینی را مدیریت می‌کند. باید جامعه به این باور برسد که خداوند چنین چیزی را برای بشریت تقدیر کرده است و خود را راضی به این تقدیر کند و از این جهت هنوز ما به چنین فرهنگی دست نیافته‌ایم.

۳۰- در کتاب «تمدن زایی شیعه» به این موضوع اشاره شده که انقلاب اسلامی عامل گذار از مدرنیته به تمدن اسلامی است. به طور دقیق تر بفرمائید که ماهیت این گذار چیست و چگونه اتفاق می‌افتد؟

**جواب:** انقلاب اسلامی و تمدن غربی، در نگاه هستی‌شناسانه‌ی خود با هم تفاوت دارند. همان‌طور که عرض شد؛ نگاه هستی‌شناسانه‌ی انقلاب اسلامی ریشه در باوری دارد که در واقع‌ی غدير ظهور کرد و خداوند نشان داد در ذیل دین اسلام باید امامی معصوم، مدیریت کلی و کلان جامعه را در دست داشته باشد و همه‌ی نهادهای اقتصادی و سیاسی و تربیتی با راه‌کارهای اندیشه‌ی امام معصوم فعالیت کنند. ولی تمدن غربی به‌کلی رابطه‌ی مدیریت جامعه‌ی بشری را در همه‌ی امور از آسمان منقطع کرد، و خواست با فکر افراد عادی امور جلو رود که حاصل آن را امروز ملاحظه می‌کنید که چگونه با آزمون و خطا چهارصدسال است هر روز گرفتار بحران هستند.

۴۰- چرا وقتی که ابزارهای پدید آمده توسط تمدن غرب به فعلیت رسیدند و توانستند صورت ظاهری

زندگی آرمانی خود را محقق کنند، با چیزی روبه‌رو شدند که آن را نمی‌خواستند؟ در واقع ابزارها و تکنیک پیشرفته، اهداف آن زندگی را محقق کردند ولی چون آن زندگی جواب‌گوی همه ابعاد بشر نبود، در اوج تکامل ابزارها، بشر غربی با بن‌بست روبه‌رو شد.

**جواب:** علت به بن‌بست رسیدن تمدن غربی با آن همه فعالیت علمی را باید در انقطاع کثرت‌ها از وحدت جستجو کرد. زیرا اگر هر عضوی از جامعه به خود واگذاشته شود و به خودی خود بدون نظر به جایگاه سایر اعضاء رشد می‌کند ما را به بحران می‌کشاند. همین‌طور که عقل باید میل هر عضوی را مدیریت کند تا بدن در تعادل باشد، باید صاحب وحی با حیطة‌ای که بر کل هستی دارد عالم را مدیریت کند و صورت عملی این تئوری با حاکمیت امام معصوم و یا در زمان غیبت امام معصوم با حاکمیت فقه آل محمد «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» توسط ولی فقیه ممکن است. مگر ملاحظه نمی‌کنید وقتی عقل بر اعضاء ما حکم نکند چگونه شهوت بیشتر خوردن جلو می‌رود و قلب دیگر امکان ادامه‌ی کار را از دست می‌دهد و با عکس‌العمل منفی خود قلب انسان سخته می‌کند؟ در مورد جامعه هم باید یک عقل قدسی در میان باشد وگرنه جامعه با داشتن تکنیک‌های مهیب تا مرز سخته‌کردن هر نهادی جلو می‌رود و عملاً نهادهای جامعه دیگر توانایی جواب‌گویی به انتظاراتی را که باید از آن‌ها داشت، ندارند. چون همه در ذیل مدیریت الهی در کنار هم کار نمی‌کنند، هرکدام برای خود کار می‌کنند. نمونه‌اش حرصی است که به جان سرمایه‌داران می‌افتد و ۹۹٪ ملت خود را از امکانات زندگی محروم می‌کند.

۵۰- شما معتقدید تمدن غرب، مادی‌ترین تمدن تاریخ است؛ در نتیجه به جای اتصال به حقایق عالم، به ابزارهای ساخته‌ی خود تکیه دارد. با این وصف ارزیابی شما از علل نفوذ این تمدن در سایر ملل و بسط جهانی آن چیست؟ چرا تمدن اسلامی با این شتاب، همه گیر نمی‌شود؟

**جواب:** در کتاب‌های مربوط به غرب‌شناسی عرض کرده‌ام: تمدن‌های گذشته در روح خود تا این اندازه از عالم غیب و معنویت منقطع نبودند و شاخصه‌ی شدت مادی‌بودن این تمدن وجود این همه سرعت و شتابی است که در این تمدن ظهور کرده است. چون در عالم قدس و معنویت قرار و ثبات هست ولی ذات عالم ماده حرکت است، پس هر اندازه که یک تمدن مادی شود به شتاب و عدم ثبات نزدیک می‌گردد. وقتی روشن شد تمدن غربی مادی‌ترین تمدن تاریخ است سطح نفوذ این تمدن نیز روشن می‌شود که در پایین‌ترین ابعاد انسانی یعنی نفوذ در ساحت نفس اماره‌ی انسان‌ها است که از یک جهت گسترده است و از جهت دیگر بی‌ریشه و بی‌عمق و متزلزل، در حالی که تأثیر حرکت‌های معنوی عمیق و پایدار است و هر جا نفوذ کرد در آن جا ریشه می‌دواند و به ثمر می‌رسد، بدین لحاظ با این که غرب این همه سرمایه‌گذاری فرهنگی در کشورهای شمال آفریقا و غرب آسیا انجام داد ولی در اولین فرصت که ملت‌ها توانستند به خود آیند به آن تمدن پشت کردند، در نتیجه اگر نظام اسلامی به مبنای اسلام در داخل و خارج سرمایه‌گذاری کند با نتایجی پایدار روبه‌رو می‌شود ولی غرب همواره با ناکامی روبه‌رو بوده است.

۶۰- چرا شما در مقام تحلیل و تفسیر انتقادی تمدن غرب، بسیار بر عنصر تکنولوژی تکیه می‌کنید؟ آیا فکر نمی‌کنید فلسفه و اندیشه‌ی غربی جایگاه اساسی‌تری در تمدن غرب دارد و غرب را باید از این زاویه نیز نگریست؟

**جواب:** همان‌طور که عرض شد غرب را باید با نگاه هستی‌شناسانه‌اش تحلیل کرد و در دل آن نگاه به جایگاه تکنولوژی پرداخت. همه‌ی تأکید بنده آن است که رفقا متوجه شوند این تکنولوژی بر مبنای نگاه خاصی که غرب به عالم و آدم دارد شکل گرفته و هرچا وارد شود آن نگاه را با خود می‌آورد مگر آن‌که اولاً: متوجه مبنای فرهنگی تکنولوژی غربی باشیم ثانیاً: سعی کنیم بر مبنای نگاه اسلامی تکنولوژی خود را شکل دهیم، در آن صورت به نوعی از تکنولوژی می‌رسیم که مبنای آن به جای تخریب طبیعت، تعامل با طبیعت است و جایگاه انسان را نیز تعالی به سوی عالم قدس می‌شناسد و نه جایگاهی که انسان برده‌ی ماشین باشد.

۷۰- تمدن غرب چگونه مانع شکل‌گیری تمدن جدید اسلامی می‌شود؟ با در نظر داشتن میزان بسط یافتگی، عمق نفوذ و پیشرفت‌ی که تمدن غرب طی ۴۰۰ سال گذشته داشته است تمدن اسلامی چگونه باید از این مانع عبور کند؟

**جواب:** روح تمدن غربی استیلاء و تمامیت‌خواهی است از این جهت هیچ تمدنی را در مقابل خود تحمل نمی‌کند یا آن تمدن را نابود می‌کند و یا در خود استحاله می‌نماید. با توجه به این امر است که حضرت امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» فرمودند باید اسلام در قامت یک ابر قدرت وارد تاریخ جدید شود تا امکان استیلای تمدن غربی بر تمدن اسلامی از غرب گرفته شود و از طرفی ما امروز در شرایطی از تاریخ قرار داریم که دیگر تمدن غربی پایان‌دهنده‌ی جریان‌های فکری و فرهنگی و سیاسی جهان نیست و اگر چشم بشریت به چیزی ماوراء تمدن غربی آشنا شود آمادگی تجدید نظر جدی دارد و گرنه غرب تا این حد از خود بی‌قراری نشان نمی‌داد که حتی امکان پخش ایستگاه‌های خبری ایران و حزب الله را در کشورهای غربی مسدود کند. همان‌طور که رهبری عزیز فرمودند: انقلاب اسلامی با شعار خود که نه می‌خواهد ظلم کند و نه می‌خواهد ظلم بپذیرد، جاذبه‌ای خاص در جهان ایجاد کرده و تاریخ آینده را در اختیار می‌گیرد.

۸۰- شما معتقدید که تنها تفکر شیعه تمدن ساز است و تفکر سنی تمدن ساز نیست. با این وصف این سوال پیش می‌آید که نقش کشورهای مسلمانانی که در جریان بیداری اسلامی □ مرحله نهضت اسلامی- قرار گرفته اند در شکل‌گیری تمدن اسلامی چیست؟ آیا باید انتظار داشت که بیداری اسلامی لاقلاً در کشورهای سنی نشین با بن بست مواجه شده و روند حرکت به سوی تمدن جدید اسلامی حداقل در این کشورها متوقف شود؟ به نظر می‌رسد که تأکید بر تمدن شیعی با این اشکال مواجه باشد که تعصبات فرقه‌ای را نیز برجسته ساخته و همگرایی امت اسلامی را مخدوش می‌کند. آیا این

مسئله به ضرر شکل گیری تمدن اسلامی نیست؟

**جواب:** اگر به مقدمه‌ی کتاب «تمدن‌سازی شیعه» توجه فرمایید در آن‌جا تأکید شده شیعه بنا ندارد اهل سنت را شیعه کند، بلکه شیعه متذکر فرهنگی می‌شود که در اسلام نهفته است و آن فرهنگ اصرار بر حاکمیت وحدت بر کثرت است. مگر در نهضت‌های بیداری کشورهای مسلمان همین نگاه نبود که عامل نهضت شد و مگر آن نگاه و آن نهضت‌ها الهام‌گرفته از فرهنگ شیعی نبود؟ هنر ما آن است که متوجه باشیم ائمه‌ی شیعه چگونه جهان اسلام را رهبری کردند. ائمه «علیهم‌السلام» هیچ‌وقت نخواستند شیعه یک فرقه‌ای باشد جدای از جهان اسلام و در همین رابطه امام صادق «علیه‌السلام» چهارهزار عالم پروراندند که اکثراً غیر شیعه بودند ولی حضرت به کمک همین علماء جهان اسلام را مدیریت کردند به طوری که هر چهار امام فقهی اهل سنت مستقیم و غیر مستقیم از اندیشه‌ی امام صادق «علیه‌السلام» متأثرند. در همین زمان مگر حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» نشان ندادند ماوراء‌الشیعه بودن به جهان اسلام نظر دارند؟ و مگر جز این است که امروز جهان اسلام نگاه حضرت امام را پذیرفته؟ این موضوع بسیار دقیقی است برای این‌که شیعه در راستای ایجاد تمدن اسلامی متوجه مسئولیت خود باشد و تمدنی ایجاد کند که اگر به ظاهر ممکن است شیعه نباشد ولی روح تشیع آن را مدیریت می‌کند. اگر خطبه‌ی مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» را که در رابطه با نهضت مردم مصر در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴ به زبان عربی ایراد کردند با دقت دنبال کنید به عظمت مسئولیت شیعه در تمدن‌سازی پی می‌برید بدون آن‌که رهبری در آن خطبه کوچک‌ترین دعوتی به شیعه بودن کرده باشند مردم مصر را به روح و روحیه‌ای دعوت کردند که شیعه طلایه‌دار آن است و مگر همین روحیه نیست که امروز مردم سوریه را تا این حدّ جلو برده که خودشان باور نمی‌کردند این‌چنین می‌توانند در مقابل تهاجمی همه‌جانبه مقابله کنند؟

۹۰- یکی از فرازهای قابل توجه کتاب شما که میتوان آن را در ردیف موانع تحقق تمدن اسلامی برشمرد این است که هرچند «شرایط اجتماعی و نظام اداری کشور را در حال حاضر خراب می‌دانیم، اما نشانه‌هایی از اصلاح این خرابی‌ها به چشم می‌خورد که از آینده‌ای خبر می‌دهد که آرایش دیگری غیر از آنچه هست در نظام اداری ما حاکم شود» به طور مشخص بفرمائید این نشانه‌ها چه هستند؟ به هر ترتیب به نظر می‌رسد میان این مبدأ (وضع کنونی)، و آن مقصد (رسیدن به تمدن اسلامی)، تناسب چندانی برقرار نیست و با وجود کارگزارانی از جنس کارگزاران کنونی از سویی و غرب زدگی روز افزون جامعه از دیگر سو، حتی تصور رسیدن به «دولت اسلامی» و «جامعه اسلامی» هم بسیار دشوار و دور از ذهن به نظر می‌رسد؛ چه رسد به آنکه بخواهیم به «تمدن اسلامی» فکر کنیم!

**جواب:** همین طور که متوجه هستید هنوز وضع کنونی نظام اجرایی و آموزشی و اقتصادی ما ادامه‌ی غرب است و با ادامه‌ی غرب چیزی جز همان روح غربی با همان نسبتی که با عالم و آدم دارد، ظهور ندارد ولی بخواهیم و نخواهیم با ظهور انقلاب اسلامی تاریخ دیگری در دل فرهنگ غربی در این کشور

ظهور کرده که دست و دل‌ها را به چیز دیگری دعوت می‌کند. راز سخن مقام معظم رهبری نسبت به آینده‌ی درخشان این کشور در حضوری است که انقلاب اسلامی در آینده خواهد داشت در آن صورت نه تنها دیگر شما با ادامه‌ی غرب در امور کشور روبه‌رو نیستید بلکه با شرایطی روبه‌رو می‌شوید که بار سنگین زندگی غربی را از پشت ملت برمی‌دارد. پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که موانع عبور از غرب به مرور فتح‌شدنی است. چه کسی باور می‌کرد ما بتوانیم در دفاع مقدس پیروز شویم در حالی که غرب گمان می‌کرد ما مجبوریم در همان جاده‌ای که برای جنگ تعریف کرده است جلو رویم و در نتیجه جنگ به آن سرنوشتی می‌رسد که غرب تعیین می‌کند. ولی ملاحظه کردید نظام اسلامی با فکر و فرهنگ خودش جنگ را مدیریت کرد و با پدیده‌ی مردمی‌اش سرنوشت جنگ را در مقابل حیرت غرب به نفع خود تمام کرد. وظیفه‌ی ما است که در بستر نظام اسلامی دو موضوع را از نظر فرهنگی نهادینه کنیم؛ یکی محرومیت‌هایی که زندگی غربی به بشر تحمیل کرده و دیگری برکاتی که زندگی قدسی به همراه دارد که این در طرح سبک زندگی اسلامی مدّ نظر رهبری است و حقیقتاً جای کار فراوانی دارد که جزوه‌ی «سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی» به عنوان تذکر اولیه شاید مفید باشد.

۱۰۰- به باور شما ظهور امام زمان (عج) در کدام یک از مراحل فرآیند تمدن سازی اسلامی محقق می‌شود؟ برخی معتقدند این مسئله بعد از طی شدن مراحل ۵گانه مورد نظر رهبری به طور کامل و تشکیل تمدن اسلامی، محقق می‌شود و برخی دیگر بر این باورند که بر اساس روایات مربوط به اواخرالزمان ابتدا باید امور دنیا به حسیضی مرگ بار فرو افتد و فساد و آشفنگی بیش از حد در زمین پدید آید، پس از آن امام زمان ظهور می‌نماید و به شرایط سامان می‌بخشد و قس علیهذا. نظر شما در این خصوص چیست؟ آیا امکان تاسیس تمدن اسلامی در دوره‌ی پیش از ظهور امام عصر (عج) وجود دارد؟ لطفاً دلایل اعتقاد به نگاه مورد نظر خود را نیز قید بفرمائید. ضمن تشکر از مساعدت جنابعالی خواهشمندیم به دلیل فقدان زمان کافی در اسرع وقت به سوالات پاسخ داده شود. با سپاس فراوان

**جواب:** بنده در کتاب «بصیرت و انتظار فرج» عرایضی در این مورد داشته‌ام و معنای نتیجه‌بخش انتظار را در تحقق تمدنی که بستر ظهور حضرت می‌شود روشن کرده‌ام. آنچه باید تأکید کنم جایگاه مقدس حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» در آینده‌ی تاریخ است. وقتی معلوم شود آن حضرت با تمام شور و علاقه در طلب شرایطی هستند که حکم خدا و جلوات عالم وحدانی را در زمین ظهور دهند پس هر شرایطی که امیدواری حضرت را در آن حدّ فراهم کند که حضرت بتوانند قدم نهایی را بردارند، استقبال می‌کنند. البته شرایطی که مردم از یک طرف متوجه عمق فاجعه‌ی مدیریت غیر الهی جهان شده باشند و از طرف دیگر با تمام وجود بر این باور باشند که تنها به کمک یک انسان الهی و معصوم آرمان‌شهر حقیقی قابل تحقق است. پس یقیناً در راستای تمدن‌سازی به صورت حقیقی باید منتظر ظهور مقدس آن حضرت بود و در همین راستا متوجه عمق فاجعه‌ای بود که هم‌اکنون بشر گرفتار آن

است و متوجه آن نیست. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته. موفق باشید معنای تمدن اسلامی در نسبت با خدا و انسانها و طبیعت